الثانية فاحتفظ باللطايف الشرعية وانتظر فصل في مسايل الثلاثة

المشهورة مسئله اول در معرفت سمت قبله بدانكه معرفت

سمت قبله ببعض طرق موقوف است بر معرفت خط نصف النهار

واين موقوفست بر استخراج دايره هنديه نخست بايد دانست كه

مطلق دايره عبارتست از سطح مستوي كه اورا احاطه كند خط

مستديركه درون او نقطه باشد كه جميع خطوط مستقيمه كه از آن نقطه

خارج كند بسوي آن خط مستدير همه بايكديگر برابر باشد واين سطح

مستوي محاطه را دايره كويند وآن خط مستدير را محيط دايره كويند

وكاهي اطلاق اسم دايره بر محيط دايره ميكنند بر سبيل مجاز كذا

في الرسالة الجلالية وكاهي بر مجموع اطلاق ميكنند كذلك وآن

نقطه را مركز دايره كويند وهر خط مستقيم كه از مركز دايره خارج كنند

بسوي محيط آن خط نصف قطر دايره باشد زيرا كه هر خط مستقيم كه

قسمت كند دايره را و مرور كند بمركز او ورا قطر دايره كويند وخط كه

باشد دايره را بمركز او كذرد يا نه كذرد او را وتر كويند پس وتر اعم مطلق

است از قطر وچون دايره را سيصد وشصت قسم متساوي قسمت

كنند

كنند هر قسم را درجه كويند وهر درجه را بشصت قسم متساوي

قسمت كنند هر قسم را دقيقه كويند وهر دقيقه را بشصت قسم

متساوي قسمت كنند هر قسم را ثانيه كويند وهر ثانيه را بشصت

قسم متساوي قسمت كنند هر قسم را ثالثه كويند وهمچنين ثالثه

را قسمت كنند هر قسم را رابعه كويند ورابعه را قسمت كنند خامسه كويند

وهلم جرا تا بهر جا كه ضرورت حساب تقاضا ميكند كذا في الجلالية وطريق

استخراج دايره هنديه اينست كه سطح زمين را نيك هموار وبرابر

كنند از كونيها يا از غير آن وبايد كه سطح آن زمين موازي سطح

افق حسي باشد يعني اين سطح زمين اگرچه خارج كنند واز جميع جهات (الي معاذات الت)

تا غير نهايت هر آينه اين سطح زمين مقاطع افق حسي نكردد

پس بر سطح زمين از پركار دايره هنديه را رسم كنند چنانچه خواهند

خورد يا بزرك وبر مركز اين دايره مقياس نصب كنند بر زوايا قوايم

ومقياس عبارتست از چوب يا آهن يا سنك وخو آن چوب باشد

بر شكل مخروط مستدير قايم ومخروط مستدير عبارتست از جسمي كه اورا

احاطه كنند دايره وسطح صنوبري كه مرتفع مي شود از محيط آن دايره بر سبيل

بيان دايره هنديه

وبيان قطر و مركز دايره